

زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی «کاغذ دیواری زرد»

هدی هادی‌پور*

عضو هیئت علمی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

نجمه بهرامی نظرآبادی**

عضو هیئت علمی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۸، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۸/۲۰، تاریخ چاپ: دی ۱۳۹۶)

چکیده

پژوهش‌های جدید در حوزه ترجمه بر نقش مترجم در جایگاه واسط فرهنگی تأکید بسیار دارند و بیان‌کننده این مطلب‌اند که هویت فردی و جنسیتی مترجمان بر بازگردانی متون تأثیرگذارند. در این پژوهش ابتدا داستان «کاغذ دیواری زرد» که بازخوردهای اجتماعی متنوعی داشته و نظریه‌هایی را در میان منتقدان نظریه جنسیت برانگیخته بود، انتخاب و در اختیار مترجمان زن و مرد قرار گرفت. چگونگی ترجمه این مترجمان و تأثیرات احتمالی نقش جنسیت بر بازگردانی داستان براساس چارچوب نظری لیکاف^۱ (۱۹۷۵) بررسی شد تا تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های جنسیتی زنان و مردان در بازگردانی متن در مقایسه با متن اصلی مشخص شود. ده مورد معرفی شده به‌مثابه ویژگی‌های زبان زنانه لیکاف در متن اصلی مشخص و با معادل‌های انتخابی برای آن‌ها از سوی مترجمان مقایسه شدند. در نهایت این نتیجه حاصل شد که مترجمان زن شیوه خاص زبان زنانه نویسنده متن مبدأ را بهتر درک کردند و نسبت به زبان زنانه و بازگردانی بی‌کم‌وکاست مطالب، وفاداری بیشتری نسبت به مترجمان مرد داشتند.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، کاغذ دیواری زرد، لیکاف، زبان زنانه، گیلمن.

* نویسنده مسئول: E-mail: hadipour@uk.ac.ir

** E-mail: bahrami.n@uk.ac.ir

1. The yellow wallpaper

2. Lakoff

۱- مقدمه

جنسیت، نقش و اهمیت آن، از موضوعاتی است که متخصصان علوم مختلف از جنبه‌های متفاوت به آن پرداخته‌اند. در میان رشته‌های علوم انسانی، شاخه‌هایی مختص مطالعات جنسیتی وجود دارد که بررسی‌های صورت گرفته در آن‌ها و نتایج حاصل از آن در سایر رشته‌ها و پژوهش‌ها به‌کار گرفته شده است. در حوزه مطالعات زبان، می‌توان به دانش زبان‌شناسی اجتماعی اشاره کرد که هدف آن، بررسی علمی زبان و جنسیت است. از این منظر، مطالعه حاضر را می‌توان زیرمجموعه‌ای از مباحث زبان‌شناسی اجتماعی دانست. برای ورود به بحث در این حوزه، آشنایی با برخی مفاهیم ضروری می‌نماید؛ از جمله تفاوت‌های جنسیتی، نقش‌های جنسیتی، نمود جنسیت در ادبیات و زبان و ویژگی‌های زبان زنانه که به ترتیب در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- نقش‌ها و تفاوت‌های جنسیتی

نقش‌های جنسیتی را می‌توان مفاهیمی فرهنگ‌محور دانست؛ زیرا با نگاهی به فرهنگ‌های گوناگون، می‌توان دریافت که هنجارهای تعریف‌شده برای جنسیت‌های مختلف، با هم تفاوت دارند. طبق نظر کاری^۱ (۲۰۱۶)، نقل شده در وبسایت سازمان بهداشت جهانی «جنسیت به نقش‌ها، رفتارها و صفات اجتماعی اطلاق می‌شود که هر جامعه برای زن یا مرد مناسب می‌داند.»

تفاوت‌های جنسیتی به تمایزات فیزیکی و فکری میان زنان و مردان اطلاق می‌شود. کودکان ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای خاص زنانه یا مردانه را در هر فرهنگ کسب می‌کنند و عقاید جنسیتی و نقش‌های جنسیتی خود را شکل می‌دهند. در نهایت، در هر جامعه‌ای از همان مراحل ابتدایی، رشد رفتارها، انگیزه‌ها و نقش‌های متفاوت جنسیتی شکل می‌گیرند. با مطالعه فرهنگ‌های گوناگون، می‌توان به این نکته رسید که رفتارهای جنسیتی، تقریباً در بیشتر فرهنگ‌ها مشابه‌اند یا به عبارتی در قالب کلیشه‌ها به افراد جامعه و به‌ویژه کودکان عرضه می‌شوند؛ برای مثال در فرهنگ‌هایی از مردان انتظار می‌رود که دارای روحیه‌ای مستقل، جنگنده و کوشا باشند، درحالی‌که از زنان انتظار می‌رود که حساس و حمایتی باشند. در میان تفاوت‌های مطرح بین رفتارهای زنانه و مردانه، بعضی واقعی و برخی غیرواقعی‌اند.

جامعه‌شناسان چنین استدلال کرده‌اند که هر فرد، از ابتدای زندگی در معرض انواع کلیشه‌های جنسیتی تعریف شده والدین، آشنایان، و در سطوح بالاتر، کل جامعه قرار دارند. این دریافت و جذب ناخودآگاه اطلاعات، می‌تواند نمودهای متفاوتی داشته باشد. از جمله در نوع بیان که گاهی از آن به عنوان گویش اجتماعی یاد می‌شود، که اگر به جنسیت خاصی مربوط باشد، گویش جنسیتی نام می‌گیرد. در طول سال‌ها، تحقیقات فراوانی برای کشف تفاوت‌های زنان و مردان (از جمله در قالب تنوع گویشی) صورت گرفته و ادبیات نیز از این منظر بی‌نصیب نمانده است.

۲-۱- جنسیت و ادبیات

هنر به‌طور عام و ادبیات به‌طور خاص، صحنه نمود خلاقانه ذهنیت افراد در قالب‌های متفاوت هستند. در نتیجه، با توجه به تجربیات متفاوت هر فرد در طول زندگی و از جمله رویارویی با کلیشه‌های جنسیتی که در بالا نیز به آن اشاره شد، انتظار می‌رود که ردپایی از این تجربیات در آثار هنرمندان دیده شود؛ برای مثال، تمایز جنسیتی در تحصیل و تجربه، بر روی زندگی و آثار نویسندگان زن نیز تأثیر داشته است. از جمله می‌توان جین آستن^۱ (۱۷۷۵-۱۸۱۷) را نام برد که تنها دو سال در مدرسه به تحصیل پرداخت و جامعه زنان را به زیبایی برای ما به تصویر کشید.

جورج الیوت^۲ در دهه ۱۸۵۰ بیان داشت که زنان در رمان‌نویسی می‌توانند بسیار موفق باشند؛ زیرا که این ژانر برخلاف ژانر حماسی، تقریباً جدید است و قوانین کمتری نسبت به بقیه ژانرهای ادبی دارد. در این میان می‌توان به نوشته‌های الیزا هیوود^۳ اشاره کرد که بیش از هفتاد اثر، به چاپ رسانده و او را یکی از بنیادگذاران قالب ادبی رمان می‌دانند. این زن در میانه قرن هجدهم و در فضای ادبی کاملاً مردانه جامعه انگلستان، در قالب داستان‌های عاشقانه، دست به خلق یک شخصیت زن جسور می‌زند. اما نگاه جامعه به زنان در قرن هجدهم، به این صورت بود که نویسندگان زن را بی‌اخلاق تلقی می‌کردند؛ با این استدلال که در آثارشان، به‌ویژه رمان‌ها، به بزرگ‌نمایی رسوایی جنسی می‌پردازند و خود نیز این نیروی بالقوه خطرناک را با خود به همراه دارند؛ بنابراین، در پاسخ به این دیدگاه درباره زنان برخی از نویسندگان زن

1. Jane Austen
2. George Eliot
3. Eliza Haywood

رمان‌های بی‌نامی نوشتند و به چاپ رساندند. پدرش فرانسیس برنی^۱ (۱۷۵۲-۱۸۴۰) را از نوشتن منع می‌کرد که همین مورد، وی را مجبور کرد که آثارش را همانند بسیاری دیگر از جمله جین آستن و آن رادکلیف^۲ به صورت بی‌نام به چاپ برساند.

نویسندگان زن با محدودیت‌های بسیاری در انتخاب موضوع و نحوه نگارش مواجه بوده‌اند؛ به همین علت خواهران برونته رمان‌هایی با امضاهای مستعار به چاپ رساندند تا ثابت کنند که زن‌ها نیز می‌توانند موضوعاتی چون خشم و وحشی‌گری را به تصویر بکشند. علاوه بر محدودیت منع رفتن به مدرسه و تجارب مورد پسند جامعه، نویسندگان زن می‌بایست با حقوق‌های پایین، تن به کارهای سخت دهند و هرگز شرایط حقوقی یکسانی با مردان نداشتند. ویرجینیا ولف^۳ (۱۹۲۹) در کتابش با نام *اتاقی از آن خود* می‌نویسد که یک زن باید پول و جایی برای خودش داشته باشد تا بتواند به نوشتن تخیلاتش بپردازد.

با وجود همه این مشکلات و محدودیت‌های موجود بر سر راه نویسندگان زن جای بسی تعجب است که موضوعات و زمینه‌های گوناگون پای خود را در نوشته‌های زنان و یا حتی نوشته‌های راجع به زنان باز کردند. این محدودیت‌ها در حقیقت یکی از انگیزه‌هایی شد که نویسندگان زن در مورد زندگی زنان دست به قلم شوند و در آنها از زندانی شدن زنان بدست مردان و حبس آنها در قلعه‌ها، دیوانه‌خانه‌ها و عمارت‌ها سخن به میان آورند که این درون مایه به وضوح در "داستان کاغذ دیواری زرد" اثر شارلوت پرکینز گیلمن^۴ (۱۸۹۲) نمود پیدا می‌کند. این نویسندگان در حکم نمایندگان جامعه‌های مردزده‌ای بودند که سعی داشتند با بر روی کاغذ آوردن این محدودیت‌ها و مشکلات، زبان زنان جامعه خود باشند تا بتوانند به ساماندهی وضع موجود کمک کنند.

۳-۱- ویژگی‌های زبان زنانه براساس نظر لیکاف

راهکار تسلط بر تفاوت‌های جنسیتی در بیان، به نامتوازن بودن این قدرت میان دو جنس اشاره دارد. ویژگی‌های بیان ناتوان زنان به زیردست بودن آنها در جامعه می‌انجامد و این درحالی است که تسلط مردان از طریق رفتار زبان‌شناختی آنها حفظ می‌شود. از مطالعات اولیه‌ای که بر روی نامتوازن بودن قدرت به مثابه عامل اصلی در تفاوت‌های جنسیتی بیان

1. Frances Burney
2. Ann Radcliffe
3. Virginia Woolf
4. Charlotte Perkins Gilman

صورت گرفت، می‌توان به رابین لیکاف و مقاله تأثیرگذار او با نام «زبان و جایگاه زنان» (۱۹۷۵) اشاره کرد. گرچه این مطالعه بسیار بر روی مشاهدات فردی تکیه دارد و بعدها به علت داشتن تعصب فمینیستی و کمبود تحقیقات تجربی مورد نقد قرار گرفتند ولی اساس نظری بسیاری از مطالعات آتی واقع شده است. لیکاف فهرستی از ده ویژگی زبان‌شناسی در بیان زنان را به صورت زیر بیان می‌کند:

- پرکننده‌های لغوی: میدونی، یه نوع، خوبه؛
 - سؤالات کوتاه: او خیلی دختر خوبی هست، این طور نیست؟
 - افزایش زیر و بمی صدا در گزاره‌های اخباری: این خیلی خوب است؟
 - صفات اصلی: چشم‌نواز، بانمک؛
 - طیف‌های رنگی دقیق: گلبهی، فیروزه‌ای؛
 - کلماتی که نشان‌دهنده کمیت‌اند: من او را خیلی دوست دارم، مدیر به شدت از کارمندش متنفر است؛
 - گرامرهای بیش از حد تصحیح‌شده: انسجام در به‌کار بردن افعال بسیط؛
 - گونه‌های بسیار مؤدبانه: مانند درخواست‌های غیرمستقیم، به‌گویی؛
 - استفاده نکردن از قسم خوردن و الفاظ رکیک: چرند نگو، اوه خدای من؛
 - استرس مؤکد: شما اجرای بی‌نظیری داشتید.
- موردی که در فهرست ویژگی‌های زبان‌شناسی لیکاف به چشم می‌خورد، این است که از اعتماد به نفس، حرفی به میان نیاورده است.

۲- پیشینه تحقیق

زنانگی و تمایزهای جنسیتی در همه عرصه‌ها بر زندگی و کار زنان تأثیرگذار بوده است. ادبیات و در پی آن ترجمه نیز از این قاعده مستثنا نیست. نظریه‌پردازان مختلف ویژگی‌های خاصی برای زبان زنانه قائل شده‌اند که براساس این نظریات، تحقیقات متعددی نیز صورت گرفته است.

فون فلو تو^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که مسئله جنسیت و ترجمه را می‌توان از منظر تاریخی، نظری، هویت، پرسش‌های پسااستعماری و انتقال فرهنگی، مورد بررسی قرار داد. اگرچه

1. Von Flotow

قسمت عمده‌ای از تحقیقات صورت گرفته در این حوزه، بر هویت جنسیتی مترجمان و تأثیر آن بر ترجمه آن‌ها متمرکز هستند، فون فلو تو به بررسی رابطه بین جنسیت مترجم و جنسیت ارزیاب کار مترجم پرداخته است.

هیلمیو غلو^۱ (۲۰۱۵) در تحقیق خود برای یافتن تفاوت‌های جنسیتی، در آثار ترجمه‌ای، چهار کتاب با ترجمه‌های مختلفی از مترجمان زن و مرد را بررسی کرد تا دریابد که آیا جنسیت بر فرایند ترجمه آن‌ها تأثیرگذار بوده است یا خیر. در نهایت، به این نتیجه رسیده است که علاوه بر جنسیت، به‌طور خاص، عوامل دیگری همچون ایدئولوژی، مذهب و اقتصاد نیز می‌توانند بر کار مترجمان تأثیر بگذارند.

شفیعی ثابت و ربیعی (۲۰۱۱) تأثیر ایدئولوژی جنسیتی دو مترجم بلندی‌های بادگیر امیلی برونته به فارسی را ارزیابی کرده و براساس داده‌های یافت‌شده خود به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه هر دو مترجم ویژگی‌های مشترکی در ارتباط با اصول ترجمه به نمایش گذاشته‌اند، اما در هر دو ترجمه، ایدئولوژی جنسیتی مترجم، نقش ویژه‌ای در ترجمه قسمت‌ها/ موارد مرتبط با جنسیت متن مبدأ ایفا کرده و هر مترجم از ایدئولوژی جنسیتی خود در تفسیر و انتقال متن مبدأ به مقصد بهره برده است.

فدریچی^۲ و لئوناردی^۳ (۲۰۱۲) نیز در حوزه جنسیت و ترجمه، فعالیت‌های متعددی داشته‌اند؛ از جمله مقاله‌ای تحت عنوان «استفاده و سوء استفاده از جنسیت در ترجمه: مطالعه موردی اتاقی از آن خود اثر ویرجینیا ولف به زبان ایتالیایی». در این مقاله که مطالعه‌ای پیکره‌ای محسوب می‌شود، از نظریه‌های فمینیستی و عرف‌های ترجمه فمینیستی بهره گرفته‌اند تا دستکاری‌های صورت گرفته در ترجمه را آشکار سازند. البته در این مقاله به صراحت اعلام می‌شود که ترجمه متن فمینیستی، لزوماً به این معنی نیست که مترجم فمینیست است و آن‌ها تنها تلاش کرده‌اند تا راهبردهای مشخصی برای ترجمه فمینیستی تعریف کنند و نمونه‌هایی از آن را در پیکره خود بیابند.

یانگ^۴ (۲۰۱۴) نیز یک رمان فمینیستی دیگر «رنگ بنفش» را به همراه ترجمه چینی آن، مورد بررسی قرار دادند تا آگاهی فمینیستی مترجمان در فرایند ترجمه را بسنجند. در این راستا،

1. Hilmioglu

2. Federici

3. Leonardi

4. Yang

ترجمه دو مترجم زن و یک مترجم مرد از این رمان فمینیستی مقایسه شده‌اند و تفاوت‌های جنسیتی بارزی بین این ترجمه‌ها گزارش شده است.

و در نهایت زند و شریفی فر (۲۰۱۳) به بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در رمان «مترجم دردها» و دو مترجم زن ایرانی این اثر پرداخته‌اند. ویژگی اصلی این تحقیق، بررسی گزینش واژگانی مترجمان براساس چهارچوب نظری لیکاف (۱۹۹۰) و فرکلاف^۱ (۱۹۹۵) است، تا از این طریق تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های جنسیتی - فرهنگی مترجمان با متن مبدأ مقایسه شود. نتیجه نهایی این مطالعه این بوده است که مترجمان زن، شیوه خاص بیان و زبان زنانه نویسنده را تشخیص و به اثر خود انتقال داده‌اند، اما ترجمه آن‌ها، متأثر از باورها و نگرش‌های جنسیتی - فرهنگی‌شان بوده است.

۳- روش تحقیق

۳-۱- معرفی نویسنده

شارلوت پرکینز گیلمن (۱۸۶۰-۱۹۳۵) فمینیست، جامعه‌شناس و نویسنده رمان و داستان کوتاه امریکایی بود که نمونه بارزی از یک نویسنده فمینیست بود و سبک زندگی و آثار او الگویی برای نسل‌های آتی زنان فمینیست دانسته می‌شود. ماندگارترین اثر او کاغذ دیواری زرد است که خود او درباره آن این‌گونه می‌نویسد: برای بسیاری از خوانندگان این سؤال مطرح می‌شود که دقیقاً چه زمانی این کتاب به چاپ رسید؛ در پاسخ به آن‌ها باید بگویم که این داستان کوتاه برای اولین بار در مجله نیوانگلند در سال ۱۸۹۱ به چاپ رسید و بازخوردهای متفاوتی میان مردم و جامعه پزشکی آن زمان داشت؛ برای مثال، در همان زمان، پزشکی از اهالی بوستون در متنی اعتراض خود را نسبت به آن بیان کرد. وی ادعا می‌کرد که این‌گونه داستان‌نویسی باید منع شود. پزشک دیگری اهل کانکاس نظری متفاوت داشت. وی این‌گونه نوشت که این داستان جنون را به بهترین شکل به تصویر می‌کشد.

نویسنده این داستان کوتاه، درباره زندگی خود، این‌گونه می‌نویسد: «سال‌ها از بیماری شدید عصبی یا به تعبیری افسردگی شدید رنج می‌بردم. در سال سومی که با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کردم، با ناامیدی کامل، به بهترین متخصص بیماری‌های روانی مراجعه کردم. این مرد باهوش برایم استراحت را تجویز کرد و به این نتیجه رسید که من مشکل خاصی ندارم

و مرا تنها با این حرف راهی منزل کرد که تا جایی که ممکن است زندگی معمولی به دور از دغدغه داشته باش و مادامی که زنده‌ای، دیگر خودکار، مداد یا قلمی را لمس نکن». این ملاقات در سال ۱۸۸۷ اتفاق افتاد. من به خانه برگشتم و برای حدوداً سه ماه به توصیه‌های پزشک عمل کردم و تقریباً تمام مغزم داشت از بین می‌رفت که با کمک دوست خردمندم و باقی‌مانده توان ذهنی خود، دوباره قلم به دست گرفتم و در همان زمان بود که داستان کاغذ دیواری زرد را نوشتم و یک نسخه از آن را برای پزشکم فرستادم؛ کسی که مرا تا مرز جنون کشیده بود و تا جایی که اطلاع دارم توانستم از تباه شدن زندگی زنی با همان شرایط جلوگیری کنم ولی بهترین نتیجه نوشتن این داستان این بود که سال‌ها بعد، از دوستی شنیدم که همان پزشک معروف اقرار کرده که با خواندن داستان من، شیوه درمان بیماری ضعف اعصاب را تغییر داده است.

۳-۲- معرفی کتاب

کاغذ دیواری زرد ۵ سال پس از بهبودی نویسنده از بیماری در سال ۱۸۹۲ منتشر شد؛ زمانی که موج اول فمینیسم در ایالات متحده آمریکا در اوج خود بود. از آن زمان تاکنون، این اثر در مجموعه‌های ادبی متعددی به چاپ رسیده و به یک اثر شناخته‌شده کلاسیک مبدل شده است. این داستان کوتاه براساس زندگی خود گیلمن نوشته شده است؛ مبارزه سخت وی با افسردگی پس از زایمان، زمانی که دخترش را به دنیا آورده و به توصیه پزشک معروف آن زمان سیلاس ویرمیشل^۱ در «استراحت مطلق» به سر می‌برد. جین، راوی داستان نیز مانند گیلمن، دچار فروپاشی عصبی شد و بالاجبار، در استراحت مطلق به سر می‌برد که از سوی پزشکش تجویز شده است که در واقع همسر وی نیز هست. سراسر زندگی وی، در تنهایی و سکون و در اتاق طبقه بالای یک منزل اجاره‌ای می‌گذشت. از آنجایی که چیز ویژه‌ای، به جز نوشته‌های مخفیانه خود او، برای جلب توجه وی وجود ندارد، به تدریج متوجه کاغذ دیواری زرد اتاق می‌شود که در آن، زنی گرفتار را می‌بیند و این روال تا روان‌پریشی وی ادامه پیدا می‌کند.

کاغذ دیواری زرد بازگویی زندگی زنی است که بهبود نمی‌یابد و همین نکته، تا اندازه‌ای دلیل این است که پیام فمینیستی این داستان، همچنان مورد پرسش برخی منتقدین باقی مانده

1. Silas Weir Mitchell

است. شرح گیلمن از روند بهبود خود که در زندگی‌نامه خودنوشتش آمده، حاکی از این است که گیلمن این خطاها در توصیه‌های پزشکی را برطرف نشدنی نمی‌داند، اما قسمت عمده‌ای از نقدهایی که بر کاغذدیواری زرد نوشته شده، این داستان را سندی پیچیده و تاریک از ستم، قربانی‌شدگی، فروپاشی و رهایی «تناقض آمیز» یک زن (یا نویسنده زن) می‌دانند. این داستان همان‌گونه که خود گیلمن معتقد است تصویرگر «مردان عاقلی» است که تلاش می‌کنند زنان «دیوانه» را از نظر پزشکی کنترل کنند. درعین حال، راوی خود را در یک داستان بیمارگونه درهم پیچیده از خودتخریبی و انزجار از خود به تصویر می‌کشد که یادآور یکی از معروف‌ترین داستان‌های ادگار آلن پو، گربه سیاه است.

۳-۳- روش گردآوری اطلاعات

دلیل انتخاب این اثر، برای مطالعه، بازخوردهای اجتماعی و نظرهایی است که در میان منتقدان نظریه جنسیت برانگیخته است. متن انگلیسی این داستان کوتاه، در اختیار ۲۶ نفر از دانشجویان ترم ۶ و ۸ رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه شهید باهنر کرمان قرار گرفت که دروس پایه ترجمه و ترجمه ادبی را گذرانده بودند که از این تعداد ۱۵ نفر زن و ۱۱ نفر مرد بودند. از آنجایی که یکی از اهداف عمده این تحقیق، بررسی تفاوت‌های برداشتی و ترجمه‌ای زنان و مردان از یک متن فمینیستی است؛ بنابراین ترجمه‌های زنان و مردان از منظر ویژگی‌های زبان زنانه همان‌گونه که در بخش ۱،۳. نیز آمد و بازتولید و معادل‌یابی برای آن‌ها در زبان مقصد مورد بررسی قرار گرفت.

۴- یافته‌ها

همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شد، زبان زنانه از نظر لیکاف دارای ۱۰ ویژگی است که از آن میان، مواردی در متن مورد مطالعه یافت نشد:

- پرکننده‌های لغوی: در کلام شخصیت اصلی داستان نمونه‌ای از تکیه کلام یا پرکننده‌های لغوی یافت نشد.

- سؤالات کوتاه: در داستان موردی یافت نشد.

- افزایش زیر و بمی صدا در گزاره‌های اخباری: از آنجایی که این متن نوشتاری است ویژگی‌های آوایی در آن نمود بیرونی پیدا نمی‌کنند و از علائم نگارشی خاصی نیز برای ایجاد تمایزهای آوایی استفاده نشده است.

- عدم استفاده از قسم خوردن و الفاظ رکیک: متن به زبان معیار نوشته شده و در آن، موردی از الفاظ رکیک یافت نشد.

۵- تحلیل ویژگی‌های زبان زنانه یافت‌شده در متن مورد بررسی و ترجمه‌های آن

- استفاده از صفات اصلی

متن مبدأ	نمونه ترجمه دانشجویان زن	نمونه ترجمه دانشجویان مرد
A colonial mansion, a hereditary estate, I would say a haunted house	یک عمارت بزرگ مستعمراتی، یک ملک ارثی، البته من می‌گویم خانه اشباح	عمارت بزرگ مستعمراتی که بیشتر به یک خانه شبیح‌زده می‌ماند.
Such pretty old-fashioned chintz hangings	چیت‌های گل‌دار آنتیک و زیبا از سقفش آویزان بود.	پرده‌های آویزان
She is a perfect and enthusiastic housekeeper.	او یک زن خانه دار باذوق و سلیقه است.	خواهر جان علاقه‌مند به خانه‌داری است.
All those strangled heads and bulbous eyes and waddling fungus growths just shriek with drision!	تمام آن سرهای آویزان، چشم‌های ترسناک و قارچ‌های کج و کوله با تمسخر فریاد می‌کشند.	آن چشم‌های بزرگ و پیازی‌شکل به‌صورت تمسخرآمیزی فریاد می‌زدند.

با بررسی تمام ترکیبات صفت و موصوفی در متن مبدأ و ترجمه‌ها که نمونه‌هایی از آن در بالا ذکر شد، درصد ترجمه این ترکیبات، بدون حذف برخی از صفات در ترجمه مترجمان مرد ۳۱,۵٪ و در ترجمه مترجمان زن ۷۱,۷۵٪ بود براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که مترجمان زن پایبندی بیشتری به ترجمه همه اجزای ترکیبات وصفی دارند.

– استفاده از طیف‌های رنگی دقیق

متن مبدأ	نمونه ترجمه دانشجویان زن	نمونه ترجمه دانشجویان مرد
The color is repellent, almost revolting; smouldering unclean yellow, strangely faded by the slow-turning sunlight.	رنگ زننده و نفرت‌انگیزی دارد. زرد چرک دودزده‌ای که با نور آفتاب محو شده است.	رنگ آن زننده و تنفرآمیز است و نور خورشید آن را کمرنگ کرده است.

در تقسیم‌بندی لیکاف توصیف طیف رنگی، یکی از ویژگی‌های زبان زنانه است که نمونه خوبی از آن در این متن وجود داشت و در این قسمت، نویسنده با استفاده از صفات مختلف طیف رنگی را به‌طور کامل تشریح کرده است و در بررسی ترجمه‌ها به استثنای دو مترجم مرد (که یک نمونه از آن در بالا ذکر شد) مابقی مترجمان توصیف کاملی از طیف رنگی ارائه کردند.

– استفاده از کلماتی که نشان‌دهنده کمیت‌اند

متن مبدأ	نمونه ترجمه دانشجویان زن	نمونه ترجمه دانشجویان مرد
I don't like our room abit.	حتی یک ذره هم اتاقمان را دوست ندارم.	من این اتاق را دوست ندارم.
John does not know how much I really suffer	جان نمی‌دونه که من واقعاً چقدر عذاب می‌کشم.	جان نمی‌دونه چقدر اینجا اذیت میشم.
I verily beleive she thinks it is the writing	یقیناً باور دارم که او فکر می‌کند که نویسنده‌گی باعث مریضی من شده است.	به نظرم او فکر می‌کند که نویسنده‌گی مرا بیمار کرده است.
I am quite sure it is a woman.	من کاملاً مطمئن هستم که یک زن است.	حالا مطمئنم که یک زن است.
It must be very humiliatng to be caught creeping by daylight!	اینکه مچت را در حال خزیدن در روز بگیرند، خیلی تحقیرآمیزه.	دیدن کسی در حال خزیدن در طول روز ترحم برانگیز است.

موارد استفاده از قیدهای کمیّتی در متن مورد مطالعه تقریباً زیاد بود که از این بین، پنج مورد آن در بالا قید شده است. در ترجمه‌ها نیز مترجمان زن با ۸۳,۶٪ در مقایسه با ۴۱,۴٪ ترجمه مترجمان مرد این کلمات را در متن مقصد بازآفرینی کرده‌اند.

استفاده از گرامرهای بیش از حد تصحیح شده

متن مورد بررسی از نظر ساختاری نثری کاملاً ساده و غیرمتکلف دارد و جملات کاملاً قابل فهم‌اند و در ترجمه‌های مورد بررسی نیز این مسئله نمود دارد.

استفاده از گونه‌های بسیار مؤدبانه

همان‌گونه که در ابتدای این بخش نیز گفته شد، نمونه‌ای از الفاظ رکیک در متن مورد بررسی یافت نشد و تنها در یک مورد در اشاره به بیماری خود از گونه تخفیف‌یافته یا بسیار مؤدبانه استفاده کرده است که در ترجمه‌ها نیز این مورد لحاظ شده است.

- استفاده از استرس مؤکد

متن مبدأ	نمونه ترجمه دانشجویان مرد	نمونه ترجمه دانشجویان زن
I got up softly and went to feel and see if the paper DID move.	به آرامی بلند شدم و نزدیک رفتم تا ببینم که آیا کاغذ دیواری حرکت می‌کند یا نه.	به آرامی بلند شدم و رفتم تا ببینم آیا واقعاً کاغذ تکان خورد؟
I said it again, several times, very gently and slowly, and said it so often that he had to go and see.	همین جواب را به آرامی و آهستگی تکرار کردم تا اینکه جان رفت و با کلید برگشت.	بعد آن قدر گفتم و گفتم و با آرامش آن قدر تکرار کردم که مجبور شد برود و نگاه کند.

با بررسی کل استرس‌های مؤکد در متن مبدأ و ترجمه‌ها که نمونه‌هایی از آن در بالا ذکر شد، درصد ترجمه این ترکیبات، در ترجمه مترجمان مرد ۶۳٪ و در ترجمه مترجمان زن ۷۰٪ بود براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که مترجمان زن، پابندی بیشتری به ترجمه این ترکیبات دارند.

۶- نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، متن انتخاب‌شده به‌صورت مشخص، طبق تعریف لیکاف دارای ویژگی‌های زنانه است. در بررسی‌های صورت‌گرفته روی نمونه‌های ترجمه‌گردآوری‌شده در طی تحقیق، مشخص شد که مترجمان زن نسبت به زبان زنانه و ترکیبات خاص مورد استفاده نویسنده زن این داستان، وفاداری بیشتری داشته و احساسات زنانه نویسنده را بهتر درک کرده‌اند. همین امر باعث شده که مترجمان زن، بتوانند ترکیبات مورد استفاده را با معادل‌های دقیق و کامل در متن مقصد جانشین کنند. در میان نظریه‌های ترجمه، حمایت‌چندانی از تأثیر کلیشه‌های جنسیتی در ترجمه و طی فرایند ترجمه، صورت نگرفته است؛ بنابراین به‌مثابه راهکاری در آموزش ترجمه و تربیت مترجم، می‌توان تلاش کرد تا دانشجویان با ویژگی‌های زبانی متفاوت اقشار و گروه‌های جامعه به‌ویژه زنان در متون مختلف آشنا شوند و به درک و انتقال آن‌ها در فرایند ترجمه حساس باشند تا ترجمه نهایی آن‌ها، تا جای ممکن، به متن اصلی نزدیک شود و توجه به اصل وفاداری نیز در کار آنها نمود پیدا کند.

گرچه در عمل اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی درباره کلیشه‌های جنسیتی، هویت جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از زبان، به‌صورت کامل در فرایند تربیت مترجم تحت عنوان رشته تحصیلی «مترجمی زبان انگلیسی» ناممکن می‌کند، اما انتخاب متون متنوع، معرفی نویسندگان و سبک خاص آن‌ها، تمرین ترجمه متون متعدد با نوشتارهای خاص، آشنا ساختن دانشجویان با ویژگی‌های خاص زبان نویسندگان زن و مرد می‌تواند از جمله راهکارهایی برای تربیت مترجمانی باشد که قادرند با دید بازتر و جامع‌تر به متون خاص ادبی بنگرند و ترجمه‌هایی قابل قبول‌تر عرضه کنند.

۷- منابع

- Federici, E., Leonardi, V. (2012), Using and abusing gender in translation. The case of Virginia Woolf's "A Room of One's Own" translated into Italian. *Quaderns: Revista de Traduccio*, 19: 183-198
- Gilman, Ch. P. (2016, February 16). Why I wrote the Yellow Wallpaper. Retrieved from <http://classiclit.about.com/od/yellowwallpapergilman/a/Why-I-Wrote-The-Yellow-Wallpaper.htm>
- Gilman Ch. P. (2016, February 10). The Yellow Wallpaper. Retrieved from <http://www.scaryforkids.com/yellow-wallpaper/>

- Hilmioglu, B. (2015). *The role of gender in the process of translation*. Unpublished MA thesis. Institute of Social Sciences, Atilim University, Ankara, Turkey
- Hume, B. A. (2002), Managing madness in Gilman's "The Yellow Wallpaper", *Studies in American Fiction*. 30(1):3-20
- Kari, A. (2016, March 18). Gender. Retrieved from <http://www.who.int/gender/whatisgender/en/>
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. New York: Harper & Row Publishers
- ShafieSabet, S. G., Rabeie, A. (2011). The Effect of the translator's gender ideology on translating Emily Bronte's *Wuthering Heights*. *Journal of Teaching Language Skills*, 3(3):143-158
- Sharififar, M., Zand, F. (2013). The effect of woman's language and cultural-gender attitudes on translation, *Language and Translation Studies Quarterly* 45(4): 142-165
- Von Flotow, L. (1997). *Translation and gender: translating in the "Era of Feminism" (Perspectives on Translation)*. University of Ottawa Press
- Wang, F. (2012), Trapped and silenced: claustrophobic fear in the Yellow Wallpaper and the handmaid's tale, *Studies in Literature and Language*, 5(2): 10-15
- Woolf, V., (1929). *A room of one's own*. Broadview Press Ltd., UK
- Yang, L. (2014). A gender perspective of translation: taking three Chinese versions of the purple color as an example. *Journal of Language Teaching and Research*, 5(2): 371-375